

سنجش پایداری اجتماعی در بین محله‌های قدیم و جدید شهر یزد

اکبر زارع شاه آبادی^۱، مسعود حاجی زاده میمنندی^۲، خدیجه زارع بیدکی^۳

چکیده:

در بستر افزایش توجهات بین‌المللی به محیط زیست و مسائل مربوط به کیفیت زندگی، تلاش برای دستیابی به پایداری اجتماعی در بین محلات اهمیت ویژه‌ای یافته است. در این میان، محله به عنوان مبنای فیزیکی-اجتماعی می‌تواند نقش بسیار مهمی در زمینه پایداری شهرها ایفا کند. هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم و جدید شهر یزد می‌باشد. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش را شهروندان شهر یزد تشکیل داده و براساس فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه، به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. در مرحله اول از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برای انتخاب محلات و در مرحله دوم از نمونه‌گیری سیستماتیک استفاده شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها توسط نرم افزار Spss مورد پردازش قرار گرفته و میزان روایی از طریق آلفای کرونباخ به دست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مقایسه بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی بیانگر این است که محلات قدیم ناپایدارتر و محلات جدید دارای پایداری بیشتری هستند. همچنین براساس نتایج رگرسیون از بین ۸ متغیر مستقل وارد شده به معادله رگرسیون، در محلات قدیم از جمله متغیرهای: رضایت از محله، رضایت از مسکن، مشارکت اجتماعی و سن، در محلات جدید متغیرهای: رضایت از محله، رضایت از مسکن و در بین مجتمع‌های مسکونی متغیرهای: رضایت از محله، رضایت از مسکن در تبیین پایداری اجتماعی سهم بیشتری را ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: پایداری اجتماعی، محلات قدیم، محلات جدید، مشارکت اجتماعی

a-zare@yazd.ac.ir

masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

zare kh65@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۰

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

تاریخ وصول: ۹۱/۱۲/۵

مقدمه:

تا قبل از انقلاب صنعتی، تغییرات جوامع شهری بسیار نامحسوس بوده و به تبع آن کالبد شهرها نیز با دگرگونی قابل توجهی مواجه نبود. همگام با انقلاب صنعتی با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فن‌آوری‌های جدید، بافت‌های شهری و عوامل اجتماعی دچار تغییر گردیده‌اند چرا که شهرنشینی همچون دیگر پدیده‌های مصنوع انسان‌ساخت در طول زمان دچار تغییر، تحول، رشد و توسعه می‌گردد (سجادی، محمدی، ۱۳۹۰: ۵۶)؛ به طوری که در هیچ‌یک از شهرهای جهان وجود نابرابری و عدم تعادل اجتماعی در ساکنان نواحی مختلف یک شهر پدیده جدیدی نیست اما در کشورهای درحال توسعه، تفاوت‌های فاحش اجتماعی - اقتصادی و نابرابری و عدم تعادل در خدمات شهری باعث تفاوت بین محلات قدیم و جدید شده است (ذاکریان و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۲). چنان که این عامل باعث از هم پاشیدگی و دو شکل شدن محلات می‌شود. از جمله پیامدهای از هم پاشیدگی محلات می‌توان به کم‌رنگ شدن احساس تعلق و وابستگی به محل و محله زندگی، عدم اعتماد متقابل و عدم امنیت اجتماعی اشاره کرد. زمانی که این عوامل در یک محله از بین روند، پایداری اجتماعی محله را به مخاطره می‌اندازد؛ به صورتی که در محلات و مناطق مسکونی جدید، اکثر ویژگی‌های موجود در محلات قدیم از بین رفته و همزیستی‌های اجتماعی و اقتصادی مردم، جایگزین هم‌نشینی‌های قومی - مذهبی و همگونی‌های کلیه شؤن زندگی اجتماعی گردیده است (معصومی، ۱۳۸۹: ۲۶).

در مقام تعریف می‌توان پایداری اجتماعی را به این صورت تعریف کرد: پایداری اجتماعی با عنوان زندگی سالم، بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. در این تعریف، به بقا و حیات انسان توأم با تأمین نیازهای انسانی و همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام‌های اقتصادی در جهت حصول به بالاترین سطح رضایت از زندگی اشاره شده است. بسترسازی برای ظهور و بروز خلاقیت‌ها، بسیج همه مردم برای تأمین اهداف توسعه پایدار و نیز اطمینان از آینده‌ای بهتر برای همه با تأکید بر رفاه مردم

بومی و نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه، از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (موفات، ۱۹۹۶: ۳۵) "درک لانگ"^۱ در تعریف پایداری اجتماعی برخواست مردم برای زندگی در یک مکان معین اشاره داشته و بر توانایی در جهت استمرار چنین روندی هم در حال حاضر و هم در آینده تاکید می‌کند، بنابراین تداوم استقرار مردم در یک مکان مشخص و داشتن حق انتخاب مکان برای زندگی، در این تعریف از الزامات پایداری اجتماعی است (لانگ، ۲۰۰۵: ۵). به طور کلی می‌توان گفت که پایداری اجتماعی که با شاکله اصلی آن یعنی ثبات و بقا مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد عبارت است از: تأمین شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه (یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی) پدید می‌آید. در تبیین ارزیابی پایداری اجتماعی شاخص‌هایی چون: احساس بهتر بودن، کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع، نشانه‌های روانی شامل: اضطراب، افسردگی، ترس و میزان محرومیت نسبی، کیفیت محیط پیرامونی زندگی برای زیست، میزان رضایت از درآمد، نوع شغل و یا رضایت شغلی و مانند اینها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (پورطاهری و دیگران، ۱۳۸۹: ۸). امروزه مفهوم توسعه پایدار^۲ تقریباً یک معنای ضمنی و صرفاً زیست‌محیطی سازمان‌یافته نیست بلکه بنا به تعریف سازمان ملل در یک رشته کنفرانس‌ها و اجلاس‌های ترتیب داده شده، عباراتی نظیر "توسعه پایدار زیست‌محیطی"، "توسعه پایدار اجتماعی"، "توسعه پایدار اقتصادی" را هم می‌توان برای آن به کار برد. این عبارات منعکس‌کننده یک نوع تقسیم‌بندی ساماندهی شده به وسیله سازمان ملل و ساختارهای دولتی و دانشگاهی آن است. توسعه پایدار از منطقی کارآمد برخوردار خواهد بود که سه بعد آن یعنی اقتصاد، محیط زیست و اجتماع در ارتباط متقابل با هم مورد بحث و توجه قرار گیرند (هانتر، ۲۰۰۷: ۱۷۰). پایداری شامل سه بعد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی می‌باشد که به طور مختصر به هر کدام از آنها خواهیم پرداخت. مراد از پایداری اقتصادی حفظ سرمایه

1-Derek long

2-Stability

اقتصادی است. با این وجود پایداری اقتصادی را می‌توان براساس ارزش افزوده درآمد تعریف کرد، همانطور که هیک^۱ به شکل زیر تعریف کرده است: "میزانی که هر فرد می‌تواند طی یک دوره مصرف کند و در انتهای دوره از نظر رفاهی همان وضع آغاز دوره را داشته باشد (www.iranurbanstudies). امروزه به پایداری زیست‌محیطی نسبت به پایداری توسعه انسانی در این سیاره توجه بیشتری می‌شود که این امر به دلیل رشد جمعیت، مصرف منابع، تهی‌سازی ذخایر منابع طبیعی و تجدیدپذیری بالقوه آنها بوده است. در عین حال، این عوامل باعث تولید بیشتر مواد زائد شده است که خود سبب تخریب بیشتر سیستم‌های طبیعی و خاتمه عمر فرایندهای حمایتی ضروری مانند چرخه کربن و حفظ اوزن استراتوسفر می‌گردد. در حقیقت، صدمات حاصل از مصرف منابع و آلودگی در طی سال‌ها روی هم انباشته شده است و فقط با اندوختن سرمایه‌ها می‌توان این عوامل را در سال‌های آینده محدود کرد (مولدان، بیلهار، ۱۳۸۱: ۸۷). سومین بعد پایداری، پایداری اجتماعی در فرایند توسعه پایدار است. نقش پایداری اجتماعی در تحقق اهداف بسیار حائز اهمیت است. از این رو در اهداف راهبردی توسعه پایدار مضامینی چون: توانمندسازی، افزایش قدرت و آزادی انتخاب، توسعه و گسترش مشارکت، ارتقای کیفیت زندگی، ظرفیت‌سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و رفاه اجتماعی به شکلی گسترده مورد تأکید قرار گرفته است؛ بدین ترتیب ابعاد اجتماعی در تعامل با سایر ابعاد اقتصادی و اکولوژیکی، توسعه پایدار را قوام بخشیده و کلیت موزون آن را شکل می‌دهد (جاودان، ۱۳۸۵: ۲). چنانچه بیتلی^۲ به روشنی بیان نموده است که باید به پایداری، یک جزء اجتماعی قوی ملحق نمود تا یک الگوی بادوام داشته باشیم و چنین استدلال نمود که در جوامع پایدار باید به طور برابر به مسائل اجتماعی و انسانی همگام با موضوعات اکولوژیکی توجه نمود (بیتلی، ۱۹۹۵: ۲۵). بنا به نظر کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷)، یک دیدگاه پایداری به عنوان یک

1 - Hick

2 - Beatley

جامعه با سه جنبه پایدار، ارائه شده است. تمامی تأثیرات زیست‌محیطی و تعاملات اقتصادی نتیجه ارزش‌های اجتماعی است. سپس وزن خالص تعاملات اقتصادی. در این سیستم، تعاملات اجتماعی مبتنی بر پول است و آنها را می‌توان با سیستم‌های دیگر اجتماعی مانند ارزش‌ها، قوانین، اخلاق و فرهنگ تنظیم کرد. در نهایت، تمام این فعل و انفعالات در محیط به وجود می‌آید و اثرات زیست‌محیطی رخ می‌دهد که به دلیل هزینه‌های اقتصادی پیشگیری که در نظر گرفته می‌شود بیش از حد بزرگ تحت ارزش‌ها و اولویت‌های جامعه است (رایلی، ۱۹۹۵: ۱۳). یکی از ویژگی‌های عصر ما شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است به طوری که امروزه بیشتر مردم در شهرها زندگی می‌کنند. به هر حال با توسعه شهرها و تمرکز فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی در مراکز شهری، توجه به اصل پایداری اجتماعی به مراتب ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. با ورود مهاجران به شهرها، ظرفیت زیرساخت‌های شهری در محدوده محلات بافت قدیم و بخش مرکزی شهر به حد اشباع رسید و حتی کاهش یافت، وضعیت مسکن بدتر و فضاهای باز مورد تجاوز قرار گرفت و سطح عمومی زندگی کاهش یافت. به تبع آن اقشار ثروتمند و مرفه برای ارتقای کیفیت و بهبود زندگی خودشان، محلات جدیدی را در حومه شهر شکل داده‌اند. شکل‌گیری محلات بر مبنای جداگرنی اجتماعی و جداگرنی مهاجران و اقشار کم درآمد در محلات قدیمی، نابرابری‌های بین محلات را در برخورداری از شاخص پایداری اجتماعی و تسهیلات عمومی زندگی افزایش داد. این عوامل سبب دگرگونی محیط و دوری روزافزون از پایداری اجتماعی شده است. از گذشته‌های دور، محلات مسکونی شهرها به عنوان سلول‌های حیات شهری نقش اساسی در زندگی ساکنان آنها داشته‌اند. با توجه به اینکه در گذشته محلات شهری، مکانی برای گرد آمدن افراد با ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی مشترک بوده است، به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته‌شده‌ای بوده که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردد و همین عامل باعث تمایز بین محلات گردیده و ممکن است عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم و جدید با

هم متفاوت باشند، به طوری که امروزه با افزایش توجه به مسأله توسعه پایدار، توجه به پایداری اجتماعی هم افزایش یافته است. توسعه پایدار دارای سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌باشد که بعد اجتماعی بیشتر در زمینه ثبات و بقا مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و عبارت است از تأمین شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید می‌آید. با توجه به مباحث مطرح شده، پایداری اجتماعی منجر به ثبات امنیت اجتماعی می‌گردد. اکنون سؤالات اصلی پژوهش این است که: میزان پایداری اجتماعی در شهر یزد چه اندازه است و چه عواملی بر روی آن مؤثر است؟ و آیا پایداری اجتماعی در محلات مختلف متفاوت است؟

پیشینه تحقیق:

حکمت نیا، زنگی آبادی (۱۳۸۳) مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل سطوح پایداری در محلات شهر یزد و ارائه راهکارهایی در بهبود روند» آن نوشته‌اند. روش این پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است و از مدل‌های کمی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای استفاده شده است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، محله صفائیه پایدارترین و کشتارگاه به عنوان ناپایدارترین محلات شناخته شده‌اند. در مجموع از ۴۵ محله بررسی شده، ۴ محله در حال پایدار، ۲۸ محله نیمه پایدار و ۱۳ محله ناپایدار بوده‌اند. در این محلات دسترسی به خدمات در زمینه‌های مختلف مناسب است؛ ساختمان‌های مسکونی استاندارد و امکانات زندگی فراهم است؛ در حالی که در محلات ناپایدار که اکثراً در محدوده بافت قدیم شهر و حاشیه آن واقع شده‌اند، عدم تطابق افزایش جمعیت با نیازهای خدماتی و اکولوژیکی، ساختمان‌های مسکونی غیر استاندارد، کوچه‌های تنگ و باریک، کمبود فضاهای باز و سبز بر میزان ناپایداری شدت بخشیده است. این مقاله عمدتاً به توسعه پایدار و ابعاد توسعه پایدار توجه نموده ولی پژوهش حاضر بیشتر به پایداری اجتماعی که یکی از ابعاد توسعه پایدار است پرداخته و پایداری بر اساس شاخص‌های اجتماعی بررسی شده است.

- سرائی، لطفی، ابراهیمی (۱۳۸۹) مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی و سنجش سطح پایداری توسعه محلات شهر بابلسر" نوشته‌اند. هدف کلی از این مقاله ارزیابی و تعیین سطوح پایداری محلات شانزده‌گانه شهر بابلسر به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از این است که با بررسی سطوح پایداری توسعه در محلات شهر بابلسر (به لحاظ شاخص‌های تلفیقی)، ضریب پایداری بین محلات این شهر متفاوت بوده؛ به طوری که از مجموع شانزده محله، یک محله در گروه پایدار ایده‌آل، دو محله در گروه پایدار قوی، هفت محله نیمه‌پایدار، چهار محله پایدار ضعیف و دو محله در گروه ناپایدار قرار دارند. در این مقاله پایداری را از دیدگاه کالبدی و فیزیکی بررسی نموده‌اند ولی ما به شاخصهای کالبدی و فیزیکی پرداخته‌ایم.

- سالمی، همزه‌ای، میرک زاده (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان "سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سنقر" انجام داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان روستائی ۶۰ تا ۱۰۵ ساله شهرستان سنقر بود. براساس نتایج به دست آمده، وضعیت اجتماعی زنان روستایی در هیچ‌کدام از ۸ دهستان سنقر در سطح پایدار قرار نداشت. ۶ دهستان از ۸ دهستان در سطح نیمه‌پایدار و ۲ دهستان در سطح ناپایدار براساس وضعیت اجتماعی زنان روستایی جای گرفتند.

- فرهودی، رهنمایی، تیموری (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "سنجش توسعه پایدار محله‌های شهری با استفاده از منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی" انجام داده‌اند. هدف این مقاله استفاده از روش تطبیقی منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی برای سنجش میزان پایداری در سطح محله‌های شهری تهران است. به دلیل وسعت زیاد محدوده مورد مطالعه، محله‌های منطقه ۱۷ شهرداری تهران برای مطالعه موردی انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از روش ترکیبی منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی، تحلیل فضایی مطلوبی را از وضعیت پایداری در سطح محله‌ها نشان می‌دهد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که وضعیت پایداری محله‌های شهری منطقه ۱۷ در سطوح متوسط و پایین از آن قرار دارند. از جهت پایداری، محله فلاح در وضعیت متوسط قرار دارد که مهمترین وضعیت را در بین محله‌ها دارد و بدترین

وضعیت از جهت پایداری برای محله بلورسازی است. در این مقاله از روش تطبیقی منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی برای سنجش پایداری استفاده شده ولی در این مقاله از شاخصهای اجتماعی و از منظر جامعه‌شناسی به پایداری اجتماعی پرداخته شده است.

مبانی نظری:

نظریه کنش پارسونز^۱ نشان می‌دهد هر کنشی اعم از کنش بهنجار یا نابهنجار، توسط صور خاصی از ساختارهای اجتماعی ساخته و تولید می‌شود؛ از این رو پایداری اجتماعی نیز توسط افراد، در چهارچوب شرایط و ساختار اجتماعی و وسائل و مسیرهایی برای رسیدن به اهداف قابل تبیین می‌باشد. پارسونز اختیار و اراده انسانی را در انجام افعال و کردار خود انکار نکرده و در عین حال نقش و تأثیرات ساختاری را نیز در کنش آدمی نادیده نمی‌گیرد. از این منظر پایداری اجتماعی در چارچوب شرایط و ساختار اجتماعی و وسایل و مسیرهایی برای رسیدن به اهدافی قابل تبیین است. پارسونز نظام کنش اجتماعی را مشتمل بر چهار خرده نظام می‌داند: نخستین مرجع یا منشأ کنش، ارگانسیم است. ارگانسیم دارای ساخت ژنتیکی است که در رابطه با محیط شکل می‌گیرد. کارکرد نظام ارگانسیم رفتاری تطابق با محیط است به طوری که پارسونز عوامل محیطی را در شکل‌گیری نظام کنش اجتماعی مهم می‌داند. دومین منشأ کنش نظام شخصیتی که به رفتار ساختی اکتسابی و آموخته شده انسان اطلاق می‌شود حاصل تعامل ارگانسیم و الگوهای فرهنگی است. انسان از طریق نظام شخصیتی اهداف خود را دنبال می‌کند؛ به عبارت دیگر کارکرد نظام شخصیتی، هدف‌یابی است. سومین منشأ کنش نظام فرهنگی، مجموعه ساخت‌ها و الگوهایی است که در طول زمان به وسیله افراد و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و کارکرد آن برقراری ثبات الگویی است. چهارمین منشأ کنش نظام اجتماعی، نظام کنشهای متقابل در یک محیط معین بین عاملهای انگیزه‌داری است که در درون یک فرهنگ با هم درارتباطند. نظام اجتماعی از نظر

1- Parsons

پارسونز یک ابزار تحلیلی است و در آن نقش اجتماعی افراد و نه خود واقعی آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). پارسونز به کل نظام توجه می‌کند و نه کنشگر داخل نظام - یعنی نحوه اعمال نظارت نظام بر کنشگر و نه نحوه ایجاد و ابقای نظام به وسیله کنشگر. هرچند که فکر نظام اجتماعی همه‌گونه پدیده‌های جمعی را دربرمی‌گیرد، اما نظام اجتماعی خاص و بسیار مهم، همان جامعه است که عبارت است از، "یک پدیده جمعی به نسبت خودبسته که اعضایش می‌توانند همه نیازهای فردی و جمعی‌شان را برآورده سازند و یکسره در چهارچوب آن زندگی کنند. پارسونز به عنوان یک کارکردگرایی ساختاری، در جامعه چهار ساختار یا خرده‌نظام را برحسب کارکردهایی (همان چهار کارکرد معروف) که انجام می‌دهند، تشخیص می‌دهد. اقتصاد، خرده نظامی است که کارکرد تطبیق با محیط را از طریق کار، تولید و تخصیص برای جامعه انجام می‌دهد. اقتصاد از این طریق محیط را با نیازهای جامعه تطبیق می‌دهد و در ضمن به جامعه کمک می‌کند تا خود را با این واقعیتهای بیرونی تطبیق دهد. سیاست (یا نظام سیاسی) کارکرد دستیابی به هدف را از طریق پیگیری هدفهای اجتماعی و بسیج کنشگران و منابع در جهت این هدف، انجام می‌دهد. نظام اعتقادی، کارکرد سکون را از طریق انتقال فرهنگ (هنجارها و ارزشها) به کنشگران انجام می‌دهد و بدین سان، فرهنگی را ملکه ذهن آنها می‌سازد (ریتزر، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

دورکیم^۱ در اثر مهم خود "تقسیم کار" با پیش کشیدن مسأله روابط و مناسبات فرد و جامعه و مطرح کردن انسجام گروهی در قالب همبستگی‌های مکانیکی و ارگانیکی، خود را به جرگه تعامل‌گرایان پیوند داده است. او با دیدی اندام‌واره‌ای جامعه را مانند فرد می‌بیند؛ با این تفاوت که فرد پس از سپری شدن عمر نهایتاً می‌میرد اما جوامع همیشه در حال رشد و تکامل هستند. دورکیم ضمن صحبت از انسجام و همبستگی، اصطلاح وجدان جمعی را نیز مطرح می‌کند. به عقیده او این وجدان جمعی، خود را در قالب آداب و رسوم، هنجارها و قوانین نشان می‌دهد و به صورت فشاری از درون، فرد را وادار به عمل می‌کند و به خاطر فشاری که به فرد وارد می‌کند دورکیم از آن به وجدان

1-Durkheim

جمعی تعبیر می‌کند. این وجدان از جمع شدن افراد جامعه بر اساس نیازهای مشترکشان تشکیل می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت وجدان جمعی، مجموعه‌ای از باورها و احساسات مشترک در یک جامعه است. گسترش این نوع باورها به نوع جامعه بستگی دارد که در آن همبستگی مکانیکی (ساده) یا ارگانیکی (پیچیده) باشد. در اینجا دورکیم دو نوع همبستگی را نام می‌برد و معتقد است هرکدام این همبستگی‌ها بر اساس ویژگیهای خاصی به وجود می‌آید. همبستگی مکانیکی که در جوامع ساده وجود دارد به معنای وسایل و اجزای اختیاری نیست بلکه به علت شباهتی است که میان این نوع همبستگی با انسجام درون اجزا و عناصر یک موجود غیر آلی و جماد وجود دارد. در جوامع دارای همبستگی مکانیکی، فردیت در تملک جامعه است و شخصیت فردی ظاهر نمی‌شود. افراد بدون آنکه منشأ عمل باشند، تابعی از حرکات جمعی‌اند. در این جوامع (ابتدایی) اعضای جدید می‌توانند صرفاً از طریق پذیرش وارد جامعه شوند و این موضوع حاکی از سستی بافت همبستگی این نوع جوامع است. اعضا دارای خصوصیات هستند که جامعه در مجموع دارد و در صورت جدا افتادگی قادر به انجام وظایف خود می‌باشند (مختاری، نظری، ۱۳۸۹:۹۲).

بوم‌شناسی لئونارد دهل^۱ به سوی مسائلی رهنمون می‌شود که از مقوله شهری شدن در جامعه صنعتی ناشی شده است. دهل در ارائه تیپولوژی نیازهای شهری، رویکردی متمایز نسبت به دیگر نظریات عرضه می‌کند. وی نیازهای شهری را با ملحوظ نمودن انگاره شهر به عنوان یک مجموعه منسجم و یک ارگانسم دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌نماید. وی معتقد است تعریف شهر سخت است. یک هویت جغرافیایی با زمینه روشن جمعیت‌شناختی و فرهنگی معین، وضع شهر را مشخص می‌کند، در حالی که امروزه محلات، اجتماعات، شهرها، مادرشهرها و کلانشهرهای فراوان به عنوان پدیده‌هایی از شهرنشینی وجود دارند. یکی از مباحث اصلی توسعه پایدار بحث شناخت شاخص‌ها و متغیرها و مؤلفه‌های توسعه محلی برای توسعه ملی است. طرفداران توسعه

1 -Leonard Duhl

درون‌زا قائل به توسعه از پایین به بالا هستند. براساس این بینش توسعه باید از درون جوامع براساس نیازها و استعدادهای همان جامعه شروع شود تا بر مسأله وابستگی به عنوان عامل توسعه نیافتگی غلبه کند. در توسعه درون‌زا مردم بومی و محیط زیست آنها محور اصلی مطالعه و برنامه‌ریزی به شمار می‌روند. در توسعه پایدار سیستماتیک و درون‌زا همه چیز در محیط محلی به یکدیگر مرتبط است؛ به عبارت دیگر نیازهای انسانی در یک توسعه درون‌زا معقول و متکی به امکانات محیطی است. وجود و تحقق معیارها نظیر هویت، سرزندگی، پویایی، تأمین تجهیزات و خدمات، تنوع و دسترسی مناسب می‌تواند از ضرورت‌های یک شهر پایدار باشد (نوابخش، ارجمند سیاه پوش، ۲۰۹:۱۳۸۸).

سؤالات و فرضیات پژوهش:

- ۱- آیا محلات قدیم و جدید از لحاظ پایداری اجتماعی با هم متفاوت هستند؟
- ۲- بین رضایت از مسکن و پایداری اجتماعی در محلات همبستگی وجود دارد.
- ۳- بین میزان احساس رضایت از خدمات شهری و پایداری اجتماعی در محلات همبستگی وجود دارد.
- ۴- بین روابط همسایگی و پایداری اجتماعی در محلات همبستگی وجود دارد.
- ۵- بین مشارکت اجتماعی و پایداری اجتماعی در محلات همبستگی وجود دارد.
- ۶- بین میزان رضایت از محله و پایداری اجتماعی در محلات همبستگی وجود دارد.

روش‌شناسی:

در پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، شهروندان شهر یزد است که با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری در مرحله اول نمونه‌گیری خوشه‌ای و در مرحله بعد نمونه‌گیری سیستماتیک است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ساخت یافته حاوی ۵ گویه مربوط به پایداری اجتماعی، ۷ گویه مشارکت اجتماعی، ۹ گویه روابط همسایگی، ۱۰ گویه رضایت از مسکن، ۸ گویه میزان رضایت از خدمات شهری، ۷ گویه رضایت از

محلّه می‌باشد. این پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون^۱ در بین ۳۰ نفر از شهروندان یزد به صورت اتفاقی اجرا گردید و در تحقیق حاضر جهت افزایش درجه اعتبار از اعتبار محتوا استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار استادان دانشگاه یزد قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آنها، اصلاحات لازم انجام شد و تعیین روایی گویه‌ها از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار (spss) مورد تحلیل قرار گرفته و از آزمون‌های t ، f و ضریب همبستگی استفاده شده است. در جدول زیر میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های تحقیق با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ نشان داده شده است.

جدول شماره (۱) متغیرها به تفکیک متغیرهای مستقل و وابسته و گویه‌های مربوط و میزان پایایی

میزان آلفای کرونباخ	نام گویه‌ها	تعداد گویه‌ها	نوع متغیر
.۸۷۲	من به فراهم شدن زندگی خوب در آینده این محلّه خوشبین هستم.	۵	متغیر وابسته پایداری اجتماعی
	من دوست دارم دوران سالخوردگی را در این محلّه سپری کنم.		
	تاچه حد شما دوست دارید در همین محلّه به زندگی‌تان ادامه دهید؟		
	از اینکه در این محلّه زندگی می‌کنم بسیار به خود می‌بالم.		
	من زندگی در این محلّه را به زندگی در محلّه‌های دیگر ترجیح می‌دهم.		
متغیر مستقل			
.۷۰۳	روی دوستی و صداقت هم‌محلّه‌ای‌تان چقدر حساب می‌کنید؟	۵	اعتماد اجتماعی
	به نظر شما مردم محلّه تا چه اندازه در کارهای گروهی به دنبال سوء استفاده از دیگران هستند؟		
	به نظر شما مردم محلّه تا چه اندازه به قول و قرارهای خود عمل می‌کنند؟		
	مردم این محلّه تا چه اندازه حاضرند به یکدیگر پول قرض دهند؟		
	شما به افراد دور و بر خود در محلّه‌تان تا چه اندازه اعتماد دارید؟		

<p>۸۱۸.</p>	<p>چقدر در مراسم عزای همسایگان و هم‌محلله‌ای‌های خود شرکت می‌کنید؟</p> <p>چقدر در مراسم جشن و سرور یا مولودی مذهبی در محله خود شرکت می‌کنید؟</p> <p>چقدر در رفع مشکلات همسایگان و هم‌محلله‌ای‌های خود شرکت می‌کنید؟</p> <p>چقدر در جشن و شادی همسایگان و هم‌محلله‌ای‌ها شرکت می‌کنید؟</p> <p>تا چه اندازه هم‌محلله‌ای‌های شما در جهت رفع مشکل دیگر هم‌محلله‌ای‌ها اقدام می‌کنند؟</p> <p>شرکت در جلسات محله و همکاری با دوستان، همسایگان و.. در انجام خدمات عمومی و حل مشکلات</p> <p>بیشتر مردم حاضرند که از پول خود برای بهبود وضع خود چشم‌پوشی کنند.</p>	<p>۷</p>	<p>مشارکت اجتماعی</p>
<p>۷۲۰.</p>	<p>این روزها مردم بیشتر به فکر خودشان هستند و کمتر با یکدیگر رفت و آمد دارند.</p> <p>در این محله دید و بازدید (مثلاً در ایام عید) تا اندازه زیادی بین اهالی محله وجود دارد.</p> <p>اهالی این محله همیشه بر سر برخی از مسائل جزئی با یکدیگر بگومگو می‌کنند.</p> <p>چه اندازه وقت خود را به گوش کردن درد دل هم‌محلله‌ای‌های خود اختصاص می‌دهید؟</p> <p>در مورد مسائل محله (بلوک یا آپارتمان) چقدر با همسایگانتان مشورت می‌کنید؟</p> <p>شما تا چه حدی در کارهای ضروری به همسایگانتان کمک می‌کنید؟</p> <p>محیط زندگی شما همسایه‌ها و هم‌محلله‌ای‌ها در صورت نیاز تا چه حد به یکدیگر کمک می‌کنند؟</p> <p>۱۰- اگر الان مسأله‌ای پیش آید و لازم باشد که همسایه‌ها دور هم جمع شوند فکر می‌کنید چند تا از همسایه‌ها در این جمع شرکت</p>	<p>۹</p>	<p>روابط همسایگی</p>

	می‌کنند؟		
	چقدر با همسایگانتان رفت و آمد دارید؟		
.۸۶۳	شما الگوهای معماری محله خود را می‌پسندید؟	۱۰	میزان رضایت از مسکن
	موقعیت مسکن شما در محله در مکان مناسبی قرار گرفته است؟		
	تعداد اتاق‌های منزل شما متناسب با نیازتان می‌باشد؟		
	فضای سبز خانه شما مناسب است.		
	شما نمای خانه خود را تا چه حد می‌پسندید؟		
	تا چه حد فکر می‌کنید فضای خانه شما از نور مناسبی برخوردار می‌باشد؟		
	چقدر از نمای بیرونی و سیمای منزل خود راضی هستید؟		
	منزلتان از لحاظ اندازه فضاهای سرویس دهنده (آشپزخانه، سرویس بهداشتی، حمام) مناسب می‌باشد؟		
	تا چه حد از مسکن خود راضی بوده و آن را در شأن خانواده خود می‌دانید؟		
	چقدر از میزان دید و چشم‌انداز منزل خود راضی هستید؟		
.۷۷۳	آیا فضای سبز به اندازه کافی در محله شما وجود دارد؟	۸	میزان احساس رضایت از خدمات شهری
	آیا ایستگاه اتوبوس برای مسافران در محله ایجاد شده است؟		
	آسفالت و لکه‌گیری خیابان‌ها به موقع انجام می‌گیرد؟		
	راهنمایی و رانندگی در محله و اطراف ترافیک را به خوبی کنترل می‌کند؟		
	شهرداری در محله ما پارکینگ برای پارک وسایل نقلیه ایجاد کرده است؟		
	در محله ما بازار میوه و تره‌بار به اندازه کافی برای شهروندان ایجاد شده است.		
	در محله ما پل هوایی مخصوص عابران نصب شده است.		
در محله ما مکان‌های ورزشی به اندازه کافی ایجاد شده است.			
.۸۳۴	شما از محله خود راضی هستید؟	۷	رضایت از محله
	تا چه حد امکانات آموزشی و فرهنگی موجود در محله را کافی		

می‌دانید؟	
تا چه حد از اهل این محل بودن خود راضی هستید و به آن افتخار می‌کنید؟	
در کل چقدر از محله‌ای که در آن زندگی می‌کنید راضی هستید؟	
تا چه حد فکر می‌کنید محله شما مکان مناسبی برای بازی کودکان دارد؟	
چقدر از میزان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی افراد در محل سکونت خود راضی هستید؟	
چقدر از عدم وجود سر و صدا در محل سکونت خود راضی هستید؟	

تعریف متغیرها:

محله: محله‌ها به مفهوم واحدهای اجتماعی حقیقی هستند که تا حدی به صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود آمده‌اند و با گذشت زمان شکل و قالب ثابت به خود گرفته و حریم معینی برای خود تعریف کرده‌اند. برخی از اندیشمندان محله را یک مکان مسکونی به همراه ساکنان آن و روابط متقابل میان آن‌ها دانسته و بر روابط گروه‌های اولیه و حضورشان در محله تأکید دارند (شیعه، اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۷۰).

توسعه پایدار:

توسعه پایدار، یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده است که معانی متفاوت و بسیاری دارد. مفهوم توسعه پایدار، یک نوع تلاش برای ترکیب مفاهیم در حال رشد حوزه‌ای از موضوعات محیطی با موضوعات اجتماعی - اقتصادی می‌باشد. یک تغییر مهم در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر می‌باشد. این مسأله با دیدگاه دو قرن گذشته انسان، که بر پایه جدایی موضوعات محیطی و اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته بود، در تضاد است. در دو قرن گذشته، محیط به طور عمده به عنوان یک موضوع خارجی نسبت به بشر، تلقی می‌شده است و در نتیجه برای استفاده و استثمار انسان، مشکلات محلی اساساً به صورت محلی دیده می‌شدند. در این دیدگاه، ارتباط انسان و محیط، به صورت غلبه انسان بر طبیعت درک می‌شد و باور داشتند که دانش و فن‌آوری بشر می‌تواند بر

تمام موانع محیطی و طبیعی فائق آید (کرجی مهلبانی، ۱۳۸۹: ۹۳).
پایداری اجتماعی: تعریف پایداری اجتماعی توسط ساچس^۱ ارائه شده است که درجه متوسطی از همگنی اجتماعی، توزیع متساوی درآمد، اشتغال، دسترسی یکسان به منابع و خدمات اجتماعی را در این زمینه ضروری دانسته و در نظر گرفته است و موضوعاتی مثل مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری یا انسجام اجتماعی نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند (اشنایبرگ، ۲۰۰۶: ۲۹۲).

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه، در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (نوروزی، بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

روابط همسایگی: سوزان کلر در کتاب "همسایگی شهری" همسایگی را منطقه‌ای جغرافیائی می‌داند که همسایگان در آن سکونت دارند و فعالیت‌های همسایگی در آن انجام می‌گیرد. این منطقه ممکن است محدوده مشخص با مرزهای کاملاً معین و آداب و رسوم قدیمی و ریشه‌دار باشد یا بخش متغیر و تقریباً نامشخص از یک شهر کوچک یا بزرگ که مرزهای نسبتاً مبهمی دارد و ساکنان آن برداشت‌های متفاوتی از حدود و نقوش دارند (سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۹۲).

رضایت از مسکن: اندازه‌گیری میزان رضایت از سکونتگاه کاری پیچیده است و به عوامل بسیاری بستگی دارد. درک میزان رضایت از سوی هر شخص و در شرایط مختلف شخصی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی متفاوت است. رضایتمندی از محیط سکونتی به میزان رضایت از دو معیار واحدهای مسکونی و محله یا واحدهای همسایگی به طور مستقیم، و ویژگی‌های شخصی، فرهنگی و اجتماعی وی به طور غیرمستقیم بستگی دارد (رفعیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۸).

میزان احساس رضایت از خدمات شهری: به این معنا که فرد از خدمات شهری مانند

پارک‌ها، ایستگاه اتوبوس، آسفالت و لکه‌گیری خیابان‌ها در محله مورد سکونت رضایت کامل داشته باشد.

رضایت از محله: وقتی فرد در محله‌ای که در آن زندگی می‌کند احساس آرامش داشته باشد در همان محله می‌ماند، ولی وقتی افراد از محله مورد نظر خود رضایت نداشته باشند از محله‌ای به محله‌ای دیگر نقل مکان می‌کنند و عامل پایداری و بقا در محله از بین می‌رود.

یافته‌ها:

با توجه به نتایج به دست آمده، در مورد ویژگی‌های نمونه مورد بررسی، ۳۱ سال میانگین سنی، ۱/۲٪ بیسواد، ۱۴٪ زیردیپلم، ۴۰٪ دیپلم، ۴۱/۵٪ فوق دیپلم و لیسانس، ۳/۲٪ فوق لیسانس و بالاتر می‌باشد. از نظر وضعیت اشتغال ۶۳٪ شاغل و ۳۶/۸٪ غیر شاغل می‌باشند. از لحاظ نوع شغل، ۲۲/۸٪ خانه‌دار، ۳/۲٪ کارگر، ۳۹/۲٪ کار آزاد، ۲۵/۵٪ کارمند و ۹/۲٪ دانشجو بوده‌اند. از نظر درآمد، ۱۵/۸٪ درآمد آنها کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، ۵۳/۸٪ درآمد ۶۰۰-۳۰۰ هزار تومان، ۲۱٪ بین ۶۰۱ تا یک میلیون تومان، ۹/۵٪ بالاتر از یک میلیون تومان دریافت کرده‌اند. در زمینه میزان مدت زمان سکونت، ۹ سال میانگین مدت زمان سکونت در کل پاسخگویان، ۱۱ سال کمترین مدت زمان سکونت، ۸۵ سال بیشترین مدت زمان سکونت، ۱۲ سال میانگین مدت زمان سکونت در محلات قدیم، ۸ سال میانگین مدت زمان سکونت در محلات جدید، ۸ سال میانگین مدت زمان سکونت در مجتمع‌های مسکونی به دست آمده است. در زمینه میانگین پایداری اجتماعی ۴۶/۷٪ میانگین پایداری اجتماعی محلات قدیم، ۵۲/۹٪ میانگین پایداری اجتماعی محلات جدید، ۴۹/۶٪ مربوط به مجتمع‌های مسکونی می‌باشد. در محلات جدید پایداری اجتماعی بیشتر می‌باشد چون در این محلات آسایش و رفاه بیشتری برقرار است و دسترسی افراد به وسائل نقلیه بیشتر می‌باشد. براساس میانگین‌های به دست آمده در زمینه پایداری اجتماعی، محلات جدید دارای پایداری بیشتر و محلات قدیم دارای پایداری کمتری هستند. همچنین در زمینه میانگین مشارکت اجتماعی ۵۴/۴٪ میانگین در محلات قدیم، ۶۹/۴٪ در محلات جدید و ۷۰/۳٪ در مجتمع‌های مسکونی به دست آمد.

بر اساس میانگین‌های به دست آمده، مشارکت اجتماعی مجتمع‌های مسکونی بیشتر از محلات قدیم و جدید می‌باشد. همچنین میانگین میزان روابط همسایگی ۵۴/۸٪ میانگین در محلات قدیم، ۵۱/۱٪ در محلات جدید و ۴۸/۴٪ در مجتمع‌های مسکونی به دست آمده است. در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی، بیشترین میانگین در بین محلات قدیم قرار دارد. علاوه بر این در زمینه رضایت از مسکن ۴۱/۵٪ میانگین محلات قدیم، ۴۶/۹٪ محلات جدید و ۴۴/۲٪ مجتمع‌های مسکونی به دست آمد. براساس نتایج به دست آمده بیشترین میانگین در زمینه رضایت از مسکن در بین محلات جدید می‌باشد. همچنین در زمینه رضایت از خدمات شهری ۵۳/۶٪ میانگین در محلات قدیم، ۶۱/۳٪ میانگین محلات جدید و ۵۹/۷٪ میانگین مجتمع‌های مسکونی می‌باشد. براساس میانگین‌های به دست آمده، محلات جدید دارای بیشترین میانگین در زمینه رضایت از خدمات شهری هستند.

جدول شماره (۲) توصیف میانگین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	محلۀ قدیم	محلۀ جدید	مجتمع مسکونی
میانگین مشارکت اجتماعی	۵۴/۴	۶۹/۴	۷۰/۳
میانگین روابط همسایگی	۵۴/۸	۵۱/۵	۴۸/۴
میانگین رضایت از مسکن	۴۱/۵	۴۶/۹	۴۴/۲
میانگین رضایت از خدمات شهری	۵۳/۶	۶۱/۳	۵۹/۷
میانگین رضایت از محله	۴۵/۰	۵۴/۲	۵۲/۲
میانگین پایداری اجتماعی	۴۶/۷	۵۲/۹	۴۹/۶

جدول (۳): آزمون تفاوت میانگین پایداری اجتماعی با توجه به سطح تحصیلات، نوع شغل و درآمد

متغیرها	ابعاد	Mean			f			Sig	
		قدیم	جدید	مجتمع	قدیم	جدید	مجتمع	قدیم	جدید
نوع شغل	خانه‌دار	۵۱/۵	۵۶/۱	۴۷/۷	۱/۷	۰/۴	۰/۴	۰/۱۶۴	۰/۸۱۰
	کارگر	۳۵/۷	۶۰/۱	۴۵/۰					
	کار آزاد	۴۹/۲	۶۸/۴	۵۰/۷					
	کارمند	۳۹/۰	۵۸/۶	۵۳/۶					

							۶۲/۳	۴۲/۷	دانشجو
--	--	--	--	--	--	--	------	------	--------

همچنین در زمینه نوع شغل افراد، رابطه بین نوع شغل و پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی رابطه از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. از بین میانگین‌های به دست آمده در محلات قدیم، گروه شغلی خانه‌دار بیشترین میانگین، در محلات جدید گروه شغلی آزاد و مجتمع‌های مسکونی گروه شغلی کارمند دارای بیشترین میانگین هستند. به دلیل عدم معنادار بودن آزمون f ، بین میانگین‌ها نمی‌توانیم مقایسه‌ای قائل شویم.

جدول (۴) آزمون اسپیرمن پایداری اجتماعی با توجه به سطح تحصیلات و درآمد

Sig.			ضریب اسپیرمن			متغیر
مجتمع‌های مسکونی	محلات قدیم	محلات جدید	مجتمع‌های مسکونی	محلات قدیم	محلات جدید	
۰/۵۳۶	۰/۳۰۵	۰/۳۷۱	-۰/۰۵۴	۰/۰۶۵	۰/۰۷۸	سطح تحصیلات
۰/۶۲۹	۰/۰۸۸	۰/۰۲۴	-۰/۰۴۲	-۰/۰۹۲	-۰/۱۹۵	درآمد

بر اساس یافته‌های به دست آمده در جدول بالا در زمینه رابطه بین سطح تحصیلات و پایداری اجتماعی نشان می‌دهد که از بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی، رابطه بین سطح تحصیلات و پایداری اجتماعی از لحاظ آماری در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی معنادار نمی‌باشد. علاوه بر این رابطه بین درآمد و پایداری اجتماعی در بین محلات جدید، معنادار است ولی این مسأله محلات قدیم و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون همبستگی بین پایداری اجتماعی و متغیرهای مختلف

Sig.			ضریب پیرسون			متغیر
مجتمع‌های مسکونی	محلات قدیم	محلات جدید	مجتمع‌های مسکونی	محلات قدیم	محلات جدید	
۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۲۲	۰/۰۷۶	۰/۱۶۱	۰/۱۹۷	سن
۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۱	۰/۴۰۴	۰/۵۶۸	مشارکت اجتماعی
۰/۱۳۷	۰/۰۴۱	۰/۰۰۱	۰/۱۳۰	۰/۱۷۸	۰/۲۷۹	مدت زمان سکونت

۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۷	۰/۳۸۴	۰/۶۵۰	روابط همسایگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	۰/۵۱۳	۰/۴۵۵	رضایت از مسکن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۶۷	۰/۶۸۱	۰/۷۶۸	رضایت از محله
۰/۰۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱	۰/۲۸۸	۰/۳۲۰	رضایت از خدمات شهری

براساس اطلاعات مندرج در جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون، بین متغیر مستقل سن با متغیر وابسته پایداری اجتماعی، متغیر سن در سطح خطای ۰/۰۱ با متغیر پایداری اجتماعی رابطه مثبت دارد؛ به این ترتیب که با افزایش متغیر مستقل سن، میزان متغیر وابسته افزایش می‌یابد. رابطه سن و پایداری اجتماعی در بین محلات جدید، قدیم، و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد؛ بدین معنا که سن بر روی پایداری اجتماعی تأثیرگذار است؛ هرچه سن افراد بالاتر رود نسبت به محله مورد سکونت خود احساس تعلق خاطر بیشتری پیدا می‌کنند. علاوه بر این در مورد رابطه مدت زمان سکونت و میزان پایداری اجتماعی ضریب همبستگی، مثبت می‌باشد؛ یعنی هرچه مدت زمان سکونت بیشتر، پایداری اجتماعی هم بیشتر است و فرد گرایش بیشتری برای ماندن در آن محله دارد. در محلات قدیم و جدید رابطه بین میزان مدت زمان سکونت و پایداری اجتماعی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد اما در بین مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری این معناداری دیده نمی‌شود. در بین محلات قدیم و جدید افراد وابستگی بیشتری نسبت به محله پیدا کرده‌اند و تمایل بیشتری برای ماندن در آن محله‌ها دارند. وقتی فردی به یک مکان و محیطی تعلق خاطر بیشتری دارد، دوست دارد در همان مکان بماند. همچنین در مورد رابطه بین روابط همسایگی و پایداری اجتماعی این متغیر در سطح ۰/۰۱ رابطه‌ای متوسط یا به عبارتی همبستگی مثبت و متوسطی را نشان می‌دهد. بدین ترتیب هرچه روابط همسایگی در میان افراد یک جامعه بیشتر باشد، آن محله دارای پایداری اجتماعی بیشتری است؛ بنابراین در زمینه رابطه بین روابط همسایگی و پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد و یکی از عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی محسوب می‌شود. بدین معنا که

هرچه همسایه‌ها روابط بیشتر و دوستانه‌تری با هم داشته باشند، محله پایدارتر خواهد بود و افراد در محله ماندگاری بیشتری دارند. علاوه بر این درمورد رابطه بین رضایت از مسکن و پایداری اجتماعی، این متغیر در سطح ۰/۰۱ رابطه‌ای متوسط یا به عبارتی همبستگی مثبت و متوسطی را نشان می‌دهد. این عامل در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد و این عامل هم به عنوان عامل مؤثر بر پایداری اجتماعی شناخته شده است. بدین ترتیب همگام با رضایتمندی بیشتر افراد از مسکن خود پایداری آن محله نیز بیشتر می‌شود؛ بدین معنا که وقتی فرد از مسکن خود رضایت داشته باشد تمایل و گرایش بیشتری برای ماندن در آن محله دارد ولی اگر فردی از مسکن خود رضایت نداشته باشد به تصور یافتن مسکن مورد پسند خود به محله‌ای دیگر نقل مکان می‌کند. علاوه بر این در زمینه رابطه بین دو متغیر میزان رضایت از محله و پایداری اجتماعی، ضریب همبستگی بین این دو متغیر مثبت و رابطه مستقیم است و در بین محلات جدید، قدیم و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار است. بدین معنا که فردی از محله خود رضایت داشته باشد ترجیح می‌دهد در همان محله بماند و به زندگی خود ادامه دهد و عاملی برای ماندن در محله می‌شود. علاوه بر این در مورد رابطه دو متغیر میزان رضایت از خدمات شهری به عنوان متغیر مستقل و پایداری اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، ضریب همبستگی مثبت می‌باشد؛ یعنی با افزایش رضایت از خدمات شهری، میزان پایداری اجتماعی افزایش و با کاهش آن، میزان پایداری اجتماعی هم کاهش می‌یابد. در این زمینه رابطه بین رضایت از خدمات شهری و پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد و این عامل به عنوان عامل مؤثر بر پایداری اجتماعی شناخته شده است. بدین معنا که وقتی افراد یک محله از خدمات شهری رضایت داشته باشند در نتیجه دوام و پایداری در یک محله افزایش می‌یابد و ماندگاری فرد در آن محله بیشتر می‌شود.

نتیجه آزمون رگرسیون چند متغیره بین پایداری اجتماعی و متغیرهای مستقل در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی

جدول شماره (۴): نتایج تحلیل رگرسیونی تاثیر متغیرهای مستقل بر پایداری اجتماعی

P	F			ضرب تعیین خالص			ضرب تعیین			واریانس					
	مجموع	جدید	قدیم	مجموع	جدید	قدیم	مجموع	جدید	قدیم	مجموع	جدید	قدیم			
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۶۵/۷۱	۷۹/۵۴۵	۴۰/۹۳۸	۰/۵۹۷	۰/۷۰۳	۰/۶۶۳	۰/۶۰۶	۰/۷۱۲	۰/۷۱۵	۰/۷۷۹	۰/۸۴۴	۰/۸۱۴

به منظور تبیین پایداری اجتماعی براساس متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در مجموع از ۸ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون ۴ متغیر مستقل در محلات قدیم، ۳ متغیر در محلات جدید، ۲ متغیر در مجتمع‌های مسکونی مهم در این تحلیل باقی ماندند.

sig	t			ضرایب استاندارد شده Beta			Std.Error			ضرایب خام β			متغیرهای مستقل
	مجموع	جدید	قدیم	مجموع	جدید	قدیم	مجموع	جدید	قدیم	مجموع	جدید	قدیم	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	مقدار ثابت α
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	رضایت از محله
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	رضایت از مسکن
													مشارکت اجتماعی
													سن

در مجموع بر طبق یافته‌های جدول فوق و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه می‌شود عامل مهم که بر پایداری اجتماعی بیشترین تأثیر را می‌گذارند. در محلات جدید، قدیم و مجتمع‌های مسکونی متغیر رضایت از محله است که دارای β بیشتری می‌باشد و بیشترین تأثیر را داراست.

نتیجه‌گیری:

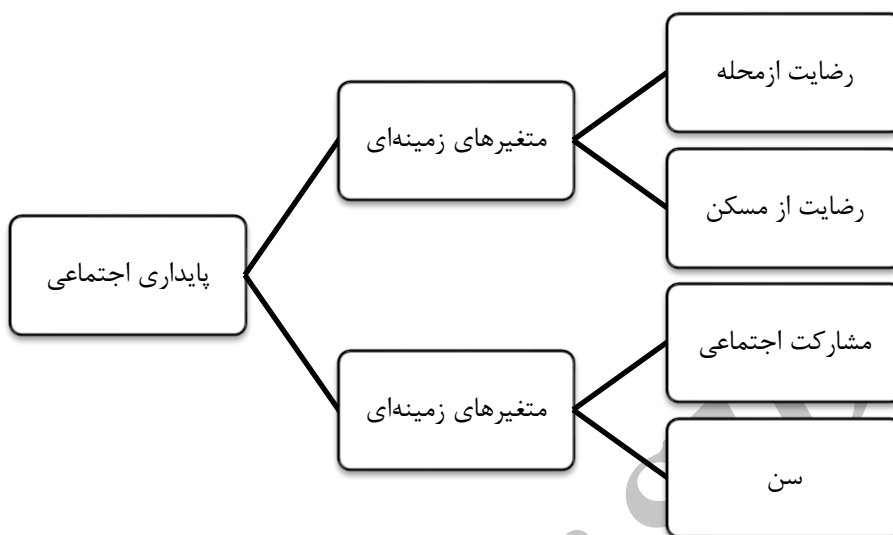
پایداری، تعامل میان مجموعه‌ای از ابعاد اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی است و در این مقوله براساس نگرش سیستمی ایفای نقش مؤثر هر یک از ابعاد پایداری می‌تواند در

نهایت پایداری را به ارمغان آورد و هرکدام از این سه بعد پایداری باهم رابطه متقابل و مؤثری دارند ولی در این تحقیق فقط به بعد پایداری اجتماعی خواهیم پرداخت. برای رسیدن به شرایط مطلوب در هر جامعه‌ای اولین قدم شناخت وضع موجود و تبیین مسائل و مشکلات آن جامعه است و شناخت پایداری اجتماعی در بین محلات شهرها که در چند دهه گذشته تحولات گسترده‌ای را پشت سر گذاشته و امروزه محلات قدیم و جدید از لحاظ ظاهری باهم متفاوت هستند. عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی متفاوت خواهند بود و محله‌ها بیش از هر چیز مکان‌هایی هستند که مردم در آنها زندگی و کار می‌کنند. این جریان نه به صورت انفرادی بلکه به صورت گروهی و در اجتماعات مردمی در حال وقوع می‌باشد که هدف در این تحقیق مقایسه پایداری اجتماعی محلات قدیم و جدید و همچنین بررسی عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم و جدید شهر یزد می‌باشد. در این زمینه فرضیاتی مطرح گردید تا عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم و جدید مورد سنجش قرار گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل همه شهروندان واقع در سنین فعالیت (بالتر از ۱۵ سال) در شهرستان یزد می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، براساس آمار جمعیت کل شهرستان یزد براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، ۴۳۲۱۹۴ نفر به دست آمده است. از بین این تعداد از طریق روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند؛ به طوری که ۱۳۴ نفر در محلات جدید، ۱۳۲ نفر در محلات قدیم و ۱۳۲ نفر در بین مجتمع‌های مسکونی به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. متوسط نمرات میزان پایداری اجتماعی در محلات قدیم ۴۶ درصد پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد، ۵۲ درصد میانگین محلات جدید و ۴۹ درصد متوسط نمرات مجتمع مسکونی می‌باشد. متوسط نمرات محلات جدید در حد متوسط قرار دارد و میانگین آن از محلات قدیم و مجتمع مسکونی بیشتر می‌باشد و نشان دهنده این است که محلات جدید پایدارتر هستند به طوریکه تحقیقی (توسط حکمت نیا، زنگی آبادی) انجام گرفته و نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که محلات جدید پایدارتر و محلات قدیم ناپایدارترند. متوسط نمرات مشارکت اجتماعی محلات قدیم ۵۴ درصد، محلات جدید

۶۹ درصد، مجتمع‌های مسکونی ۷۰ درصد می‌باشد. میانگین میزان مشارکت اجتماعی در بین محلات قدیم، جدید، مجتمع‌های مسکونی از حد متوسط بالاتر می‌باشد و در بین میانگین‌های به دست آمده مجتمع‌های مسکونی بیشتر در زمینه‌ی اموری چون مشارکت در مراسم عزاداری و جشن‌ها شرکت دارند و مشارکت آنها بیشتر می‌باشد. متوسط نمرات میزان اعتماد اجتماعی در محلات قدیم ۵۰ درصد، محلات جدید ۵۰ درصد و مجتمع‌های مسکونی ۵۰ درصد می‌باشد. میزان میانگین‌ها در حد متوسط قرار دارند و اینکه از لحاظ مقایسه‌ی بین دو محله و مجتمع مسکونی اختلاف جزئی دارند. میانگین میزان روابط همسایگی محلات قدیم ۵۴ درصد، محلات جدید ۵۱ درصد، مجتمع مسکونی ۴۸ درصد می‌باشد. براساس یافته‌های به دست آمده، محلات قدیم و جدید از لحاظ سطح میانگین در حد متوسط و مجتمع‌های مسکونی از حد متوسط پایین‌ترند؛ اما در بین میانگین‌ها، میانگین محلات قدیم بیشتر است و روابط همسایگی آنها بیشتر می‌باشد چون ساکنان محلات قدیم ممکن است براساس سنت‌های قبل رفتار کنند و هنوز رفت و آمدها بین همسایه‌ها وجود داشته باشد. متوسط نمرات میزان رضایت از مسکن در بین محلات قدیم ۴۱ درصد، در محلات جدید ۴۶ درصد و در مجتمع‌های مسکونی ۴۴ درصد می‌باشد. این میانگین‌ها پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند و در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی، میانگین محلات جدید در ارتباط با میزان رضایت از مسکن بیشتر می‌باشد. شاید به این دلیل که خانه‌ها در این محلات براساس شیوه‌های جدید ساخته شده‌اند ولی در بین محلات قدیم براساس بافت قدیم است. متوسط نمرات میزان رضایت از خدمات شهری در محلات قدیم ۵۳ درصد، این میانگین در حد متوسط قرار دارد، محلات جدید ۶۱ درصد، از حد متوسط بالاتر می‌باشد و مجتمع‌های مسکونی ۵۹ درصد که در حد متوسط قرار دارد. از بین میانگین‌ها، میانگین محلات جدید در زمینه‌ی دسترسی به خدمات شهری بیشتر از محلات قدیم و مجتمع‌های مسکونی است و این بدین معناست که محلات جدید بیشتر به خدماتی چون ایستگاه اتوبوس، فضای سبز، بازار میوه و تره‌بار و... دسترسی دارند. میانگین میزان رضایت از محله ۴۵ درصد در محلات قدیم، ۵۴ درصد

محلات جدید، ۵۲ درصد میانگین مجتمع‌های مسکونی می‌باشد. متوسط نمرات محلات قدیم پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد بدین معنی که از محله خود رضایت ندارند به دلیل اینکه دسترسی به خدمات کم و بافت محله قدیمی است. متوسط نمرات محلات جدید و مجتمع‌های مسکونی در حد متوسط قرار دارد و در بین میانگین‌ها محلات جدید بیشتر از محله خود رضایت دارند. از جمله دیگر عوامل متغیر، سطح تحصیلات می‌باشد. سطح تحصیلات به عنوان اولین پیش‌نیازها برای توسعه انسانی و پایداری اجتماعی می‌باشد. انسان‌ها نیاز به تحصیلات و آموزش و پرورش دارند. سطح تحصیلات در محلات جدید در ارتباط با پایداری اجتماعی معنادار می‌باشد ولی محلات قدیم و مجتمع‌های مسکونی در این زمینه معنادار نیست و در این محلات عامل سطح تحصیلات بر روی پایداری اجتماعی تأثیر نمی‌گذارد اما در محلات جدید سطح تحصیلات مهم است. چون در این محلات دسترسی به خدمات و امکانات بیشتر است، افراد دوست دارند در همین محله‌ها بمانند و به تحصیلات عالی دست یابند. همچنین رابطه بین نوع شغل و پایداری به دست آمده نشان می‌دهد در محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی رابطه بین این دو عامل معنادار نمی‌باشد به طوری که عامل شغل در زمینه پایداری مؤثر نمی‌باشد و اختلاف بین میانگین‌ها جزئی و اتفاقی می‌باشد. در بین افراد کم‌درآمد ارتباط همسایگان با تعاون و همیاری بیشتری همراه است و ارتباط همسایگان در محلات طبقه کم‌درآمد از طریق مساجد، باشگاه‌های ورزشی و کوچه‌ها صورت می‌گیرد. روابط همسایگی در محلات طبقه پردرآمد به شدت ضعیف می‌شود و به روابط همسایگی کمتر احساس نیاز می‌شود. زیرا این افراد مشغله بیشتری دارند و بیشتر به دنبال کار هستند. میزان درآمد در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی عامل تأثیرگذاری نیست و رابطه بین میزان درآمد با پایداری اجتماعی معنادار نمی‌باشد. کودکان و نوجوانان بیشتر با همسالان خود در محله ارتباط برقرار می‌کنند و همین دوستی‌های بین جوانان باعث می‌شود خانواده‌ها هم بایکدیگر آشنا شوند و ارتباط آنها باعث ثبات و ماندن در محله می‌شود؛ به طوری که براساس نتیجه به دست آمده در بین محلات جدید، قدیم و مجتمع‌های مسکونی هم رابطه معناداری وجود دارد. اینکه

افراد به زندگی در یک مکانی تمایل دارند یا نه و یا اینکه چه مدت است که در این محیط ساکن هستند، خود معیاری مناسب جهت ارزیابی پایداری اجتماعی است. هنگامی که افراد مکان را به عنوان جایی که می‌توانند نیازهای خود را تأمین کرده و درعین حال پیوندهای عاطفی و احساسی خود را در آن یافته و از روی میل و رغبت در آن ساکن گردند، اهمیت زمان در پایداری اجتماعی مطرح می‌گردد. در بین محلات قدیم و جدید رابطه بین مدت زمان سکونت و پایداری اجتماعی معنادار می‌باشد ولی در بین مجتمع‌های مسکونی این عامل معنادار نیست. زمانی میزان سکونت افراد در یک محله بیشتر می‌شود که احساس کنند محله همگون است و تنوع قومی در آن محله وجود ندارد. مشارکت مردم به عنوان یکی از اصول تفکر پایداری به معنای تأثیری است که این مشارکت و حضور واقعی در امر توسعه و خلق محیط پایداری اجتماعی خواهد داشت. حضور و مشارکت مردم در درازمدت خواهد توانست جامعه‌ای پایدار را ایجاد کند. رابطه مشارکت اجتماعی با پایداری اجتماعی در محلات جدید، قدیم و مجتمع‌های مسکونی هم معنادار می‌باشد. متغیر دیگری که مورد بررسی قرار گرفته عامل رضایت از مسکن می‌باشد. رابطه بین رضایت از مسکن و پایداری اجتماعی در محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار است. میزان احساس رضایت از خدمات شهری به این معناست که فرد تا چه اندازه از خدمات شهری برخوردار است و این بر خورداری عامل رضایت فرد باشد. رابطه بین رضایت از خدمات شهری و پایداری اجتماعی هم در محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی از لحاظ آماری معنادار است. متغیر دیگر رضایت از محله است؛ وقتی افراد از محله خودراضی باشند، دیگر به این فکر نیستند که از آن محله بروند و به جایی دیگر نقل مکان کنند، در نتیجه در همان محله خود می‌مانند. رابطه بین رضایت از محله و پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم، جدید و مجتمع‌های مسکونی معنادار می‌باشد و رضایت از محله هم به عنوان عامل مؤثر در پایداری اجتماعی شناخته شده است.



Archive of SID

منابع:

- پورطاهری مهدی، سجادی حمدا..، صادقلو طاهره. (۱۳۸۹). «سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی»؛ فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱، دوره ۱، صص ۳۱-۱.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ تهران: انتشارات سمت.
- جاودان، مجتبی. (۱۳۸۵). مروری بر چارچوب مفهومی و راهبردی شاخصهای پایداری اجتماعی، شماره ۱۷۲؛ گروه توسعه اجتماعی.
- حکمت نیا حسن، زنگی آبادی علی. (۱۳۸۳). «بررسی و تحلیل سطوح پایداری در محلات شهر یزد و ارائه راهکارهایی در بهبود روند آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۲، صص: ۵۱-۳۷.
- ذاکریان ملیحه، موسوی میرنجف، کشکولی باقری، علی. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری مید از منظر توسعه پایدار»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره دوم، سال اول، صص: ۸۴-۶۱.
- رفیعیان مجتبی، عسکری علی، عسگری زاده، زهرا. (۱۳۸۷). «سنجش میزان رضایتمندی سکونت ساکنان محله نواب»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۷، صص: ۶۸-۵۳.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۵). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سالمی مریم، همزه‌ای محمدرضا، میرک زاده، علی اصغر. (۱۳۹۰). «سنجش پایداری اجتماعی زنان روستائی شهرستان سنقر»، مطالعات زنان، سال ۹، شماره ۱، صص: ۷۶-۵۵.
- سجادی، زیلا، محمدی کاوه. (۱۳۹۰). «تحلیل اجتماعی فضایی در بافت‌های فرسوده شهری، مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر سردشت»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ششم، سال دوم، صص: ۷۰-۵۵.
- سرائی محمدحسین، لطفی صدیقه، ابراهیمی سمیه. (۱۳۸۹). «ارزیابی و سنجش سطح پایداری توسعه محلات شهر بابلسر» مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۹، صص: ۶۰-۳۷.

- شیعه اسماعیل، اسماعیلی یاسر. (۱۳۹۰). «از محله تا منطقه (با نگاهی به تئوری قطب رشد؛ نمونه مورد مطالعه منطقه آزاد انزلی»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، سال ۹، شماره ۳۵، صص: ۷۵-۷۰.
- صدیق سروستانی رحمت ا...، نیمروزی نوروز. (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی واحساس امنیت در محلات شهر یزد»، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، صص: ۱۸۵-۲۲۰.
- فرهودی رحمت ا...، رهنمایی محمدتقی، تیموری ایرج. (۱۳۹۰). «سنجش توسعه پایدار محله‌های شهری با استفاده از منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۷، پاییز ۱۳۹۰، صص: ۸۹-۱۱۰.
- کرجی مهلباتی. (۱۳۸۹). «معماری پایدار و نقد آن درحوزه محیط زیست»، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره یک، صص: ۹۱-۱۰۰.
- مختاری مرضیه، نظری جواد. (۱۳۸۹). «جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مولدان بدریچ، بیلهارسوزان. (۱۳۸۱). «شاخص‌های توسعه پایدار، ترجمه نشاط حداد تهرانی، ناصر محرم نژاد، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- معصومی، سلمان. (۱۳۸۹). «توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- نوابخش مهرداد، ازجمند سیاه پوش اسحق. (۱۳۸۸). «مبانی توسعه پایدار شهری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نوروزی فیض ا...، بختیاری مهناز. (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»؛ فصلنامه راهبرد، شماره ۵۳، سال ۱۸، صص: ۲۶۹-۲۴۹.
- Beatley, T. (1995b), "Planning and Sustainability: The Elements of a New (Improved) Paradigm." *Journal of Planning Literature*, 9(4):pp 383-95.
- Hunter, L.M., Twine, W., Patterson, L.(2007) Locusts are now our beef?": adult mortality and household dietary use of local environmental resources in rural South Africa. *Scandinavian Journal of Public Health* 35 (Suppl. 69)pp. 165-174.
- Long, Derek(2005)key Issue for sustainable rural communities, European Institute urban Affairs Liverpool –Johan mores university.

- Moffat-Ian-Hanley-nik and mike wilsom D(2001)Measuring and modeling sustainable Development the Parthenon publishing Grop Inc.newyork and London.
- Putnam, R. D.(2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community New York: Simon and Schuster.
- Reilly Anne(1995). Sustainability initiatives, social media activity, and organizational culture: An exploratory study; Journal of Sustainability and Green Business; Loyola University Chicago; Amanda Weirup Carnegie-Mellon Universitypp1-15.
- Schneiburg, M and Clemens, E.S. (2006) The *Typical* Tools For The Job: Research Strategies in Institutional Analysis. *Sociological Theory*. 34:3.pp. 195-227.
- www.iranurbanstudies.

Archive of SID